

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

پیکار پامیر

۱۰/۱۲/۱۴

"نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان"

جلد اول

فصل هفتم

ظهور طالبان و بازی دیگر

هنوز کابل و ولایات با مردم جنگزده و حرمان کشیده آن در چنگال تنظیم های اسلامی- جهادی و استبداد قرون وسطائی آنها و نیز در میان آتش متقاطع جنکها، موشک پرانی ها و انتقامکشی های خونین و بی سابقه آنان میسوختند و می ساختند که مصیبت بزرگتر دیگری باز هم از طرف حکومت پاکستان، البته با طرح و حمایت مخفی کشور های امریکا، بریتانیا و عربستان سعودی، از راه کوئته- چمن بالای مصیبت دیدگان سر زمین افغانستان فرستاده شدند.

تاریخ دوم ماه اگست سال ۱۹۹۵ میلادی بود که رسانه های گروهی، خبر بر خورد مسلحانه گروه طالبان در مرز قندهار- چمن (سپین بولدک) با نیرو های جهادی مستقر در آن نواحی را منتشر کردند.

نام "طالبان" که یک پدیده نوظهور و کاملاً نا آشنا در اذهان مردم بود، همه را متعجب و کنجاو ساخت. مخصوصاً که این گروه نه تنها قومندان های حزب اسلامی گلبدین (سرکاتب) و " امیر لالی" قوماندان جهادی جبهه نجات ملی را به سرعت شکست دادند، بلکه کاروان امتعه پاکستانی را که قرار بود از راه چمن - قندهار- هرات، راهی ترکمنستان شود، از چنگ "قوماندان لالی" و یارانش نجات داده و به صورت معجزه آسا به سوی شهر قندهار و سایر مناطق به پیش تاختند.

اهل سیاست و کیاست، به اساس درک و شناخت دقیقی که از ساختار نیرو های جهادی و مقاصد استعماری آی. اس. آی و حامیان قدرتمند آن در اطراف افغانستان داشتند و به خصوص، از ماهیت حمله و رهائی اموال پاکستانی از دست جهادیهای قندهار، از همان آغاز ماجرا فهمیدند که گروه طالبان کیانند؟ از کجا آمده اند؟ چه میخواهند و در عقب آنها چه نیرو یا نیرو هائی قرار دارد؟ اما متأسفانه در عین حال، بودند عده زیاد دیگری به شمول منابع

مختلف خبرگزارها که تا مدتها یا عمدی و یا غیر عمدی، طالبان را " گروه ناشناخته " ، " فاتحان مرموز " و " مجاهدین نارض از تنظیم های اسلامی " معرفی نموده بعضی از آنها حتا ریشه آنان را تا دوران جهاد علیه روسها و " تفنگداران عدالتخواه " میرسانیدند.

موضوعی که گزارشگران را بیشتر به شک و تعجب وامیداشت ، این بود که چطور این گروه نو ظهور در برابر نیرو های مسلح جهادی که تجارب کافی جنگی داشته غرض حفظ قدرت حتا یکدیگر را می درند، پیوسته پیشروی میکنند، بدون آنکه کسی در برابر شان مقاومت نشان دهد؟ این بخش از تحلیگران و خبرنگاران بسیار زود درک کردند که طالبان علاوه از بلند کردن شعار "تأمین امنیت" و " ضدیت با حاکمیت استبدادی تنظیم های جهادی"، با یک دست قرآن را حمل میکنند و با دست دیگر شمشیر و دالرامریکائی را.

در اثنائی که طالبان با سلاح های پیشرفته خفیف و ثقیل، مرز افغانستان – پاکستان را عبور نموده داخل قندهار شدند، با آنکه شواهد و علامات انکار نا پذیر مبنی بر حمله و تجاوز پاکستان به خاک افغانستان در زیر نام "طالبان" کاملاً مشهود و مبرهن بود، باز، برهان الدین ربانی آنها را " فرشته های صلح" و " حرکت خود جوش" نامیده به والی و قوماندان ارتش مستقر در قندهار دستور داد تا به این پدیده نو ظهور تسلیم شده ولایت را با کلیه ساز و برگ نظامی آن، به آنها بسپارند. علاوه از آن، ربانی مقدار معتابهی پول نیز برای این " فرشته های صلح " به قندهار فرستاد. (قرار اظهار وحید مژده، منتشره سایت خبری بی بی سی مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۳ خورشیدی، "ابتداء دولت استاد ربانی در تقویت طالبان نقش داشت و در آن زمان ۷۸میلیارد افغانی از بودجه دولت اسلامی به طالبان به وسیله صدیق چکری، مولوی عبدالعزیز و سخی داد فایز به منظور تضعیف حزب وحدت و حزب اسلامی پرداخته شد")

علل و انگیزه اصلی این اقدام غیر منطقی برهان الدین ربانی پسانها از سوی بعضی منابع موثق افشاء شد و آن این بود که ربانی در اثر تماسگیریهای سازمان استخباراتی پاکستان، با این حمله و اشغال موافقت خودش را نشان داده و مشروط ساخته بود که این اقدام نظامی موجب راندن رقبای تنظیمی اش (به خصوص حزب اسلامی گلبدین و حزب وحدت اسلامی) از نواحی کابل و بعضی مناطق دیگر گردد.

"انتونی دیویس" کتابی دارد به نام " طالبان چگونه به قدرت نظامی تبدیل شدند؟" که توسط محمد نور اکبری ترجمه شده و در نشریه " میزان" سال ۱۹۹۸ میلادی متعلق به سفارت افغانستان در دهلی به چاپ رسیده است . نویسنده این کتاب در بخشی از اظهارات خویش چنین میگوید:

" . . . سرویس استخباراتی آی اس آی پاکستان مدتها قبل شبکه هایش را به داخل، اطراف و نواحی قندهار تأسیس نموده بود، جائی که پاکستان یک قونسلگری داشت و آی اس آی ارتباطات نزدیک خودش را با قومندانان به اصطلاح شورای قومندانان میدان هوایی بر قرار ساخته بود"

او همچنان مینویسد: " . . . در برج سپتمبر، ملا محمد ربانی یک تن از رفقای نزدیک عمر {ملا عمر آخذ} با چند تن از همراهانش کابل رفته و رئیس جمهور کشور {برهان الدین ربانی} را ملاقات نموده است . طی این ملاقات تأیید رئیس جمهور را از عملکرد های شان و حمایت پولی وی را به دست آوردند. . . "

ادامه دارد